

گسترش دستگیری‌ها علاج درد بی‌درمان حکومت نمی‌شود!

صفحه ۵



«اگر که ما نبودیم، تو اون بالا نبودی»

۲۴ مرداد: تجمعات بازنشستگان کشوری در ۱۴ شهر و یک خبر دیگر، صفحه ۶

از "دیپلماسی با عزت" حکومت چه چیزی نصیب مردم خواهد شد؟

مهران محبی، صفحه ۲

آزاد سازی دارایی‌ها و "میریم تا سرنگونی

کاظم نیکخواه، صفحه ۳

نگاه طبقاتی "باورمندان" به نظام طبقاتی

یاشار سهندی، صفحه ۴

جنبش دفاع از حقوق زن و انقلاب

سهیلا صبور، صفحه ۷

۲۹ مرداد: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و سه خبر دیگر

صفحه ۸

تایید حکم ۵ سال زندان جعفر ابراهیمی

معلم زندانی آزاد باید گردد

مدیای اجتماعی

سرکوب و بازداشت فعالین مانع گسترش #انقلاب_مهسا نخواهد شد!، صفحه ۷

اطلاعیه مشترک تشکل‌ها و جمع‌های دانشجویی:

هیچ شکلی از تعطیلی دانشگاه‌ها قابل قبول نیست، تعطیل کردن دانشگاه‌ها نشانه وحشت حکومت

اسلامی است! صفحه ۵

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۹۳

۳۰ مرداد ۱۴۰۲

۲۳ اوت ۲۰۲۳



دوشنبه‌ها منتشر میشود

کارگران نیشکر هفت تپه به

میدان می آیند

شهلا دانشفر، صفحه ۳

سازمان پزشکی قانونی

ایران: مرگ ۱۹۰۰ کارگر در

محیط‌های کار

مازیار کارگر، صفحه ۶

به حزب
کمونیست کارگری
پیوندید!



تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

مهران محبی

از "دیپلماسی با عزت" حکومت چه چیزی نصیب مردم خواهد شد؟

را قتل عام کنند.

حالا قرار است که اجازه خرید کالاهای غذایی و دارویی با ۶ میلیارد دلار از پولهای بلوکه شده از طریق بانک های قطری به جمهوری اسلامی داده شود. برای ما مردمی که تحت حاکمیت باندهای جنایتکار، مافیائی و تروریستی ده ها سال است که چپاول و غارت می شویم و روز به روز بر فقر و فلاکت و گرسنگی و کوچکتی و بی رونق تر شدن سفره هایمان افزوده می شود، یقین داریم که حتی اگر تا آخرین دلار این ۶ میلیارد هم تحت نظارت بین المللی تبدیل به کالاهای اساسی دارویی و غذایی شود، نه تنها قیمت مواد غذایی و دارویی کاهش نخواهد یافت، بلکه با تقسیم شدن این کالاها میان باندهای تبهکار و مافیائی حکومت به بازارهای سیاه سرازیر شده و از دسترس اکثریت مردم محروم جامعه به دلیل ناتوانی مالی خارج خواهند شد.

حکومتی که به خاطر بقاء و منافع خود آگاهانه و عامدانه و بر اساس نقشه از پیش طرح کرده خود به هواپیمای مسافربری شلیک می کند و ۱۷۶ انسان را در آسمان به قتل می رساند و حکومتی که آدم ربائی بخشی از هویت و استراتژی حاکمیتش برای تأمین مالی از طریق باجگیری شده است، تردیدی نیست که از کالاهای خوراکی و دارویی ای که قرار است در ازای ۶ میلیارد دلار آزاد شده وارد کشور شوند به عنوان منبعی برای رسیدن به مبالغ خیلی بیشتری از طریق احتکار و فروش آنها با چند ده برابر قیمت خریدشان به مردم استفاده خواهد کرد و بخشهایی از آن را هم برای گروههای تروریستی تحت حمایتش و همچنین برای جاهانی مانند کربلا جهت مانورهای تبلیغاتی خواهد فرستاد.

اکثریت مردم کارگر، معلم، بازنشسته و هر مزدبگیر کم درآمد و هر انسان محروم و تنگدستی در ایران تحت حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی چه با تحریم و چه بدون تحریم، سهمشان از زندگی، فقر، نداری و بیکاری و درگیر بودن با انواع نابسامانیها و ناامنی ها بوده و همچنان نیز هست. ما مردم دوران حاکمیت جمهوری اسلامی بدون تحریمهای بین المللی را هم تجربه کرده ایم که چگونه منابع و ثروت و سرمایه های عمومی و اجتماعی را صرف تروریسم اسلامی در سراسر جهان و دستیابی به بمب هسته ای و ساخت موشک برای تقویت بلوک تروریسم اسلامی در برابر تروریسم دولتی غرب کرده اند و زندگی را بر ما تباه نموده اند.

راه نجات ما مردم از مسیر لغو تحریمهای بین المللی نمی گذرد و خواست امروز ما نیست. ما خواهان هیچ نوع تحریم اقتصادی نیستیم، اما خود سالهای سال تجربه کرده ایم که با آزاد سازی پولهای بلوکه شده و کم کردن دامنه تحریمها هیچ تأثیر مثبتی بر اوضاع اجتماعی جامعه نداشته و باعث هیچ درجه از بهبودی در شرایط زندگی ما نشده است. این حکومت تنها به بقاء خود می اندیشد و در این راستا از هیچ قباحت، رذالت و جنایتی فرو گذاری نمی کند.

تنها راه نجات ما برای رسیدن به یک زندگی انسانی، به آرامش و رفاه، گسترش اعتراضات در همه عرصه ها از خیابان گرفته تا کارخانه و مدرسه و دانشگاه و غیره و تا سرنگونی این حکومت جنایتکار است.

باید شعار "قط کف خیابون به دست میاد حقمون"، شعار معمول بازنشستگان را به عمل تبدیل کنیم و خیابان ها را به تسخیر خود در بیاوریم.

گرفتن ژست های عجیب و حیرت آور و سراپا دروغ و ریاکارانه جمهوری اسلامی پدیده جدیدی نیست. این حکومت در زمینه شیادی و دروغگویی و توجیه اعمال جنایتکارانه و تحریف حقایق و واقعیتها براسی عصبیه ای است که در عصر حاضر بی همناست و شاید در طول تاریخ هم نایاب بوده است. اعجوبه ریا، این بار برای توجیه و ماست مالی کردن شکستش در مذاکره بر سر برجام و مشخصا در مقابل آمریکا، عنوان "دیپلماسی با عزت" را بر رسوائیش در ماجرای یک باجگیری گذاشته است.

ماهیت شیادانه و ریاکارانه حکومت هم برای ما کارگران و مردم ایران و هم برای تمام بشریت در جهان شناخته شده و امری اثبات گردیده است. آنچه که هر دروغ و برخورد و رفتار وارونه حکومت، ما مردم در ایران را نگران و به تعجب وامی دارد ناروشنی و ابهام نسبت به عمق و گستره بلاهائی است که متعاقب هر دروغ و شیادی برای لاپوشانی شکستهایش چه در سطح داخلی و چه بین المللی زندگی هشتاد میلیون انسان را تحت تأثیر مخرب و ویرانگر خود قرار می دهند.

جمهوری اسلامی حکومت جام زهر نوشیدن ها، نرمش های فرمانانه و دیپلماسی های باعزت طی ۴۴ سال عمر خود در میدان های شکست بین المللی، و حکومت پروپاگاندا و وارنه نمایش دادن شکستهایش در مقابل مردم ایران است.

این حکومت دزد و گروگانگیر که امروز با پر روئی بر طبل پیروزی تحت عنوان "دیپلماسی با عزت" می کوبد، قرار است در ازای آزادی ۵ نفر گروگان تبعه آمریکائی که اتفاقاً ۴ نفرشان ایرانی با تابعیت آمریکائی هستند، یعنی قبل از آنکه آمریکائی باشند، ایرانی بوده و هستند، ۶ میلیارد دلار پول فروش نفت بلوکه شده در کره جنوبی را با قید شروط و به مرور دریافت کند. در حالیکه ۴/۵ سال قبل بنا بر گزارشات منتشر شده در مورد مناقشات هسته ای همین امکان با شرایط بهتری برای جمهوری اسلامی مهیا بوده است. بی تردید بر خلاف ادعاها و تبلیغات دروغین حکومت، این یک توافق بر سر مسئله هسته ای نیست، بلکه معامله ای کثیف و باجگیری ای شرم آور در برابر آزاد کردن ۵ گروگان آمریکائی است.

اما مردم ایران که طبق معمول جنایت پیشگی جمهوری اسلامی که ۴۴ سال است بر ثروت و سرمایه های هنگفت متعلق به عموم جامعه چنگ انداخته است و بخصوص تجربه دستیابی به پولهای بلوکه شده ناشی از تحریمات هسته ای در غرب را داشته است، دیگر انتظار فرجی در زندگی خود ندارند و در عالم واقعی نیز همچنان بر سنگینی بار گرانی و فقر افزوده خواهد شد و کمر مردم خم تر خواهد شد.

وضعیت فلاکتبار اکثریت مردم، حاصل ۴۴ سال حاکمیت جنایتکاران، دزدان و غارتگرانی است که تمام سرمایه های اجتماعی را چپاول کرده و با بخشی از آن زندگی های شاهانه برای خود در داخل و خارج رقم زده اند و بخش دیگرش را هزینه دستگاه سرکوب و کشتار در داخل و پروار کردن دستجات و سازمانهای تروریستی اسلامی در منطقه برای حفظ نظامشان کرده اند.

ما فراموش نکرده ایم که سال ۱۳۹۵ طبق گفته ها و آمارهای ضد و نقیض مقامات حکومتی مبلغی بین ۳۰ الی ۱۲۰ میلیارد دلار پول بلوکه شده از طرف آمریکا آزاد شده و هیچ بهبودی در اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم در پی نداشت و همچنان روند وخیم تر شدن شرایط زندگی ادامه یافت. خود شاهد بودیم که بخش اعظم آن ده ها میلیارد دلار مستقیم روانه سوریه شد تا تروریستهای اسلامی و بشار اسد مردم سوریه و کودکان بی پناه

ماهواره پناه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین،

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های،

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com



مانده و نظارت بر امور شرکت برای توسعه کار و تولید تاکید کرده و می نویسد: " ما بر نظارت کارگران بر امور شرکت برای توسعه کار و تولید تاکید داریم. ما قبول نمیکنیم که تعدادی مفت خور و فاسد و تبیل و کاسه لیس مدیران نالایق با سرنوشت ۵۰۰۰ کارگر بازی کنند. شما دارید بحران درست میکنید. ما هم داریم روشن به شما هشدار میدهیم." بدینگونه کارگران نیشکر هفت تپه این کانون داغ اعتراضات کارگری دوباره به میدان می آیند. اولیتاتوم این کارگران در کنار اولیتاتوم هزاران کارگر پروژه ای پیمانی و رسمی نفت که اگر پاسخ نگیرند دست به اعتصابات سراسری خواهند زد و در کنار جامعه متلاطم انقلابی آنهم در آستانه سالگرد انقلاب، شواهدی بر در پیش بودن موج قدرتمند تری از انقلابست. به استقبالش برویم.

مندرج در ژورنال شماره ۵۰۱

کارگران نیشکر هفت تپه به میدان می آیند - شهلا دانشفر

جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه از بخشهای مختلف آن، در ۲۴ مرداد طی بیانیه ای خطاب به رئیس و وزارت صمت در اعتراض به عدم اجرای وعده های داده شده مینویسند: " شما دارید بحران درست میکنید. ما هم داریم روشن به شما هشدار میدهیم." و بعد هم با گفتن اینکه اینبار با دولت طرف هستند و کار ناتمام را باید تمام کرد، قاطعانه اعلام میکنند که برگشت به بخش خصوصی تحت هر بهانه ای و انتصاب مدیران فاسد و باند باز را نمی پذیرند و دولت و "صمت" موظف به اجرای توافقات و وعده های داده شده هستند.

این کارگران در بیانیه خود ضمن اشاره به ۵ سال نبرد برای خلع ید از باند مافیایی اسد بیگی که دست در دست مقاماتی از حکومت، هفت تپه را به نابودی کشانده و طرح اخراج چند هزار کارگر را در سر داشتند، مینویسند: " قرار براین بود که هفت تپه به هفت طرح واگذار شود و این هم جزو توافقات مسئولین دولتی با نمایندگان ما بود. اما دوره ای بصورت مدیریت پیمانی واگذار شد و این مرحله نهایی هنوز صورت نگرفته است. در اینمدت هفت تپه از مخاطرات قبلی رها شد، اما فساد و پارتی بازی و کارهای پشت پرده همچنان ادامه دارد. دولت توافق کرده واگذار کند اما وزارتخانه زیر دستش مشغول کار دیگری است. دولت بدهی اش به بانک و سهامدار را نمیدهد و هفت طرح هم مانده است چکار کند و از این بازی بهره میبرد."

در بخش پایانی بیانیه کارگران نیشکرهفت تپه بر پیگیری خواستهای معوقه شان از جمله بازگشت به کار همکار محبوبشان اسماعیل بخشی، حل و فصل مطالبات معوق



تشویق تروریستها به گروگان گیری میدانند. طبعاً بسیاری هم خوشحالند که گروگانها آزاد میشوند.

نکته اساسی اینست که جمهوری اسلامی حکومتی است با اقتصادی فلج که با بحران سازی بین المللی زاده شده و بدون بحران نمیتواند زندگی کند. از سوی دیگر مردم در ایران دشمن تمام ارزشها و سیستم حکومتی هستند و میخواهند به جامعه ای مدرن و انسانی و برابر و آزاد دست یابند که مردم در غرب هم خوابش را ندیده اند. تضاد و دره عمیقی این مردم را از حکومت و از سیستم حاکم جدا میکند.

معامله دولت آمریکا و حکومت اسلامی طبعاً جریانات راست را که امیدشان به دولتها و تحولات از بالا و رژیم چنج آمریکائی است، نا امید کرده. اما فضای جامعه یکدست تر به سمت سرنگونی حکومت با انقلاب پیش میرود و از این نوع معاملات خم به ابرو نمی آورد. دولتهای غربی هم خیلی زود متوجه میشوند که نباید روی اسب بازنده شرط بندی کنند.

مندرج در ژورنال شماره ۵۰۰

آزاد سازی دارایی ها و "میریم تا سرنگونی"

کاظم نیکخواه

روزنامه شرق روز ۲۴ مرداد در مطلبی با عنوان راهبرد کلان سیاست خارجی ما چیست؟، نوشته است: "آزاد سازی بیش از شش میلیارد دلار از پولهای مسدود شده نمی تواند به رفع بحرانها در ایران کمک کند، چرا که دلیل آن فقدان منابع کافی و مدیریت کارآمد در کشور است." این روزنامه در اشاره به معامله آمریکا و جمهوری اسلامی نوشت: "اگر راهبرد دولت گذران روزمره و باری به هر جهت و از این ستون به آن ستون باشد، شاید بشود با این اقدامات مدتی سر کرد. اما بدون شک، تشدید مستمر انواع بحرانها در حوزههای متعدد به دلیل فقدان منابع کافی و مدیریت کارآمد ادامه خواهد یافت."

خبر آزاد سازی دارایی های بلوکه شده ایران در ازاء آزادی گروگانهای آمریکائی در ایران، از زوایای مختلفی مورد توجه و ارزیابی قرار گرفته است. یک شعار بازنشستگان کشوری امروز این بود: "دشمن ما آمریکاست، دست تو دست آخونداست". این شعار به جای شعار قبلی که میگفتند "دشمن ما همینجاست دروغ میگن آمریکاست" فریاد زده شد.

سوال اینست که آیا اقدام اخیر آمریکا شروع عادی شدن رابطه آمریکا و جمهوری اسلامی است؟ و اگر آری نتیجه چه میشود؟ و اگر نه نتیجه چیست؟ جواب قطعاً منفی است و این تکرار اوضاع مکرر قبلی است. بحران و تنش بین آمریکا و غرب و جمهوری اسلامی با این تصمیمات تمام نمیشود و قطعاً ادامه خواهد یافت. هم اکنون در خود آمریکا انتقادات به امتیاز دادن به جمهوری اسلامی گسترده است و آترا

پیش بسوی اعتصابات سراسری!

یاشار سهندی

نگاه طبقاتی "باورمندان" به نظام طبقاتی

هیچ تعریف و تمجیدی نیستند، در صورتی که با معیارهایی که دیکتاتورهای مصلح را توجیه میکنند، دیکتاتوریهایی که با نام کمونیسم حاکم بودند شایسته تمجید هستند چرا که به نوعی "دولت مدرن" را بر جوامعی حاکم کردند.

در نزد خود، ایشان خود را پژوهشگرانی می بینند بر فراز جامعه، "در پی تحقیقات خود" خیر و صلاح جامعه را شناخته اند و آنرا هم ارائه میدهند در عین حالی که سعی دارند نشان دهند نسخه ای برای جامعه نمی پیچند، اینکار را زشت تعبیر میکنند، اما وقتی باورشان را ارائه میدهند و نتیجه "تحقیقات" خود را منتشر میکنند، نتیجه این میشود مثلاً "کش فرهنگ سیاسی" مهمتر از "کش طبقاتی" است. از "منظر" ایشان طبقه مهم است (مشخصاً در رابطه با طبقه کارگر)، اما چیزی است در حد "هویت‌های گوناگون ایرانیان"؛ و حتماً یادشان است که به مارکس یک نیشی هم بزنند که با تحلیل جامعه طبقاتی کنونی ثابت کرد طبقه کارگر گورکن نظامی است که ایشان به توجیه آن مشغول هستند. اما این را به رسالت پیامبرگونه ارتقا نداد، آنگونه که این پژوهشگران سعی دارند القا کنند. این "باورها"، و "از این منظر" به جامعه نگاه کردن، چه خوششان بیاید چه نه، در خدمت طبقه ای است که یک نفر از آن طبقه میتواند سرنوشت ده ها هزار نفر را از این رو به آن رو کند، به تعبیر خود ایشان از طبقه متوسط به سوی طبقه متوسط فقیر براند. نمونه جهانی و پرند این روزها که بسیار سر و صدا پیدا کرده "ایلان ماسک" است. او میتواند شخصاً یک موسسه را با تمام "کارکنان" آن بخرد و سرنوشت آنها یک شبه تغییر کند. میتواند "صاحبان سرمایه" در جزیره خوش و آب هوا، ضمن گذراندن اوقات خوش و لب تر کردن و قایق رانی در آبهای زلال اقیانوس (آنجا که هنوز آلودگی های صنعتی که نتیجه کارکرد نظام سرمایه داری است به این آبها نرسیده) از گرمای آتش همدیگر لذت ببرند و عقل هایشان را روی هم بریزند که به "سود" برسند؛ یا میتواند یک حکومت، مانند جمهوری اسلامی، یک قانون یا طرح پنج ساله را به اسم توسعه تصویب و جاری کند، که موجب سیه روزی بیشتر توده مردم شود، یا جایی مانند فرانسه تصمیم یک شخص یا یک کابینه (اکون ماکرون) سرنوشت میلیونها آدم را به سوی بدبختی سوق دهد.

به باور برخی، که اسامی برخی شان را آوردیم (باید تاکید کنیم هیچ پدر کشتگی ای با این اشخاص نداریم)، این تصمیمات خانمان برانداز اصلاً طبقاتی نیست بلکه گویا "تصمیمات ضروری تصمیم سازان" اعم از "کاربلد" (مانند ماکرون در فرانسه) و "ناکارآمد" (مورد آخوند در ایران) است. آنکه در نیجر کودتا میکند و آنکه در افغانستان طالبان را بر سریر قدرت بر میگردداند، راست افراطی که وعده بازگشت نازیسم را به اشکال مختلف میدهد، اینها نه روند دموکراتیک یا اختلال در این روند، بلکه نیاز یک طبقه جهانی به اسم سرمایه دار است که هر روز بیشتر از دیروز زندگی توده مردم را در سراسر کره زمین به نابودی سوق میدهد. اما وقتی اینگونه از جهان بگوید، نگاه شما میشود "تعصب ایدئولوژیکی" اما آنکه این شرایط ضد انسانی را توجیه میکند، نگاه او میشود از "منظر جامعه شناسی"؛ پای همه "اندیشمندان" از افلاطون تا امیل دورکیم را وسط میکشند تا ثابت کنند دنیای امروز جای خوبی است اما بد اداره میشود!

تعریف طبقه، اینکه طبقه به عنوان پرولتاریا دیگر وجود خارجی ندارد یا نقشش کم رنگ شده است بحثی است که امیدواریم در فرصتی دیگر به آن بپردازیم. هر چقدر "باورمندان" به نظام طبقاتی به عبث تلاش کنند تا ثابت کنند کشمکش طبقاتی به تاریخ پیوسته است، اما این پا تو یک کفش کردن بر انکار واقعیت‌های جامعه، نشانگر این است که طبقه و مبارزه طبقاتی مانند "دیگر هویت‌های ایرانیان" نیست بلکه بیش از هر چیز نشان میدهد حق با مارکس بود که سرنوشت جوامع را کشمکش طبقاتی تعیین میکند. و آنچه در جریان است چیزی جز این نیست.

جلال ایجادی جامعه شناس و پژوهشگر ساکن فرانسه، در مقاله مفصل به "بررسی جنبش کارگری با انقلاب مهسا" پرداخته است. تورج اتابکی پژوهشگر ارشد ساکن هلند، با آصف بیات جامعه شناس ساکن امریکا، به مصاحبه نشسته و در جستجوی طبقه کارگر به "طبقه، بهار عربی و جنبش زن زندگی آزادی" پرداخته اند. محمد مالجو اقتصاددان ساکن ایران، به پژوهش در نقش "مستمندترین مستمندان" در تاریخ معاصر، بخصوص در دو برهه خاص و به نقش ایشان در تحولات اجتماعی پرداخته است. مهرداد درویش پور، جامعه شناس ساکن سوئد، از "منظر جامعه شناسی به امنیت سازی" پرداخته و از "منظر سیاسی" راه حل ارائه داده است. محمد رضا نیکفر، پژوهشگر فلسفه ساکن آلمان به این پرداخته است که حاکمان دروغگو نیستند بلکه یاهو می گویند و به اختلاف بین دروغ و یاهو و اختلاط پرداخته است و تاکید میکند: "شر ابتدال با شر یاهو ترکیب شده است." حال دانستن این امر چقدر گره از کار ما در این برهه از زمان می گشاید، معلوم نیست!...؛ بیات، اتابکی، مالجو، ایجادی و درویش پور و نیکفر...، یک نام هستند که پشت سر "باور" آنها منافع یک طبقه خوابیده است. هر چند خود اصلاً چنین چیزی را قبول ندارند و یک جورهای توهین به خود تلقی میکنند. این نگاه به جامعه که منافع طبقاتی نقش اصلی را در تحولات جامعه دارد، نگاه "ایدئولوژیک" می شمارند و این نگاه از پیش محکوم است! بر واژه "ایدئولوژیک" بخصوص آنجا که با "تعصبات ایدئولوژیک" همراه می شمارند، چنان بار گناهی سوار کرده اند که هر کس در این روزگار میخواهد حرف بزند پیش از هر چیز باید خود را از این گناه تبرئه کند! "به باور من"، "از منظر من"، واژه هایی ظاهراً خیلی دموکراتیک هستند که ایشان در کاربرد آنها دریغ نمی کنند، و این نه صرفاً برای خوش آهنگ بودن ترکیب این واژه ها، بلکه یک نوع پست مدرنیسم پشت اینها خوابیده است که ظاهراً هرکسی، برای خودش باوری دارد و هیچ ربطی هم به طبقه و کشمکش طبقاتی ندارد؛ و من شنونده (بخصوص کمونیست) میتوانم باور و منظر ایشان را قبول کنم یا نکنم، اما از پیش محکوم هستم چون یک کمونیست هستم که به نقش طبقه کارگر و کشمکش طبقاتی در تحولات اجتماعی "باور" دارم و این یعنی "ایدئولوژی زده"!

ایشان میتوانند از هابسبام و هانا آرت و آن فیلسوفی که در خدمت فاشیسم هیتلری بود و کل فیلسوفان مکتب فرانکفورت و بسیاری دیگر از همین دست نقل قول بیاورند، و این اصلاً ایدئولوژیک نیست! اما اگر شما از قول مارکس و انگلس و لنین، روزا لوکزامبورگ یا پلخانف و بسیاری دیگر حرفی را بزنید یا "باور" خود را تشریح کنید محکومید! چون این دومیها خیلی صادق و صریح هستند و تاکید میکنند مسئله بر سر تغییر جهان است و آن اولی ها نه؛ در بهترین حالت ایشان تفسیری از جهان کنونی ارائه دادند، نظامی که با همین دست فرمان بنا به گفته خودشان تا چند دهه دیگر میتواند حیات کنونی زمین را با تهدید بسیار جدی روبرو کنند. آن دومیها محکومند، چون در قرن بیستم یک کسانی نظام کارمزدی را تحت نام کمونیسم و مارکسیسم به خشونت بارترین شکل ممکن بر بخشی از جهان مسلط کردند.

در بخشهای دیگر جهان دیکتاتوریهایی بسیار خشن تحت حمایت دولتهای "جهان آزاد"، نظام ستمگر سرمایه داری

را توسعه دادند. این را میتوانند توجیه کنند که "دیکتاتورهای مصلحی" بودند فوئش یک کم خشن بودند! (نمونه ایرانی اش، خاندان پهلوی)، اما "نظامهای تمامیت خواه" را چون میشود مارکس و کمونیسم را تحقیر کرد شایسته

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



گسترش دستگیری‌ها علاج درد بی‌درمان حکومت نمی‌شود!

حکومت اسلامی با نزدیک شدن به سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و روز مهسا (ژینا) امینی بر دستگیری‌ها و احضارها شدت داده است تا به خیال خود این روزها را بدون دردسر سپری کند.

از جمله تعداد قابل توجهی از فعالین سیاسی-اجتماعی و جوانان انقلابی را در حداقل ده شهر کردستان دستگیر کرده است. در گیلان در چند روز گذشته ۱۳ تن از فعالین شناخته شده حقوق زنان و در دهلران حداقل ۱۰ نفر از فعالین به اسارت نیروهای سرکوب درآمده‌اند. ۲۸۴۳ دانشجو در دانشگاه‌های مختلف کشور احضار شده و صدها نفر از ورود به دانشگاه و خوابگاه محروم شده‌اند. برای تعدادی از معلمان و بازنشستگان پرونده‌سازی کرده و چهار نفر از اعضای کانون صنفی معلمان رشت را به دادگاه کشانده است. تعدادی از معلمان را بازخرید یا اخراج یا اجبارا بازنشسته کرده است. برای فعالین سینمایی احکام قضایی تازه‌ای صادر کرده و فشار بر خانواده‌های دادخواه برای جلوگیری از برگزاری مراسم جانباختگان گسترش یافته است.

نمونه‌های فوق که تنها گوشه کوچکی از سرکوبگری‌های حکومت در ماههای اخیر است، نشانه ابعاد وسیع اعتراض و وحشت حکومت از نزدیک شدن به سالروز انقلاب است. مردمی که مورد هجوم حکومت قرار گرفته‌اند به اشکال مختلف دست به اعتراض می‌زنند. معلمان کمپین صدهزار امضا راه انداخته‌اند، دانشجویان و زنان و جوانان در کردستان و گیلان و تهران و سراسر کشور خود را برای سالروز انقلاب آماده میکنند، سینماگران علیه احکام دادگاه بیانه تندی منتشر کرده‌اند، خانواده‌های دادخواه بی‌وقفه مراسم میگیرند و کیفرخواست صادر میکنند و موج بی‌حجابی زنان قصد فروکش ندارد. حاکمان چنان وحشت دارند که به فکر تعویق شروع سال تحصیلی هستند.

اگر رژیم می‌توانست با بگیر و ببند جامعه را مرعوب و منکوب کند این کار را پیش از این به سرانجام می‌رساند. اگر می‌توانست از «خدای دهه شصت» مدد بگیرد و با کشتارهای بی‌امان فضای وحشت و اختناق ایجاد کند، تردید نمی‌کرد. اما به حکم انزوای روزافزون بین‌المللی، موقعیت در هم شکسته منطقه‌ای و فلج اقتصادی بی‌سابقه از یک

سو و از سوی دیگر عزم مردم که برای سرنگونی حکومت خیز برداشته‌اند نمی‌تواند به جنگ این مردم برود. میدانند که این جامعه هر لحظه آماده انفجار است. تردید ندارد که موج‌های بعدی انقلاب قدرتمندتر از قبل در راه است.

سرکوبگری‌ها را با مشت آهنین انقلاب زن زندگی آزادی پاسخ می‌دهیم و به رژیم اسلامی نشان خواهیم داد که عمر ننگین و پُر از جنایتش به پایان نزدیک و نزدیکتر می‌شود. هر روز تا ۲۵ شهریور و بعد از این روز تاریخی می‌تواند فرصتی باشد تا مردم پرچم انقلاب را به اهتزاز در آورده و پیشروی به سوی سرنگونی جمهوری اسلامی را به واقعیت نزدیک‌تر کنند. انقلابی که در بطن جامعه و در تار و پود زندگی مردم ریشه دوانده است، قصد بازایستادن ندارد.

نابود باد حکومت جنایتکار اسلامی

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۶ مرداد ۱۴۰۲-۱۷ اوت ۲۰۲۳

اطلاعیه مشترک تشکل‌ها و جمع‌های دانشجویی:

هیچ شکلی از تعطیلی دانشگاه‌ها قابل قبول نیست، تعطیل کردن دانشگاه‌ها نشانه وحشت حکومت اسلامی است!

دوباره سد سرکوب و تهدید و احضار را می‌شکنیم و دگر بار دانشگاه‌ها را تسخیر می‌کنیم و تا سرنگونی کامل جمهوری اسلامی دست از این راه برنخواهیم داشت. چنین ترفندهایی به هیچ عنوان نمیتواند جمهوری اسلامی را از سرنگونی نجات دهد. پاسخ این اقدامات حکومت را در سالگرد «انقلاب زن زندگی آزادی» (و در ادامه در سال تحصیلی جدید با اعتراضات و اعتصابات سراسری سازمان‌یافته و هماهنگ خواهیم داد.

پیروز باد انقلاب زن زندگی آزادی-جمهوری اسلامی نابود باید گردد

لیست امضاها: تشکل دانشجویان پیشرو، نهاد آزادی‌خواهان دانشگاه تهران شمال، نهاد آزاداندیشان جندی‌شاپور، کمیته سراسری دانشجویان کردستان، جمعیت دانشجویان دانشگاه آزاد سنندج، اتحاد دانشگاه صنعتی اصفهان، اتحاد دانشجویان دانشگاه الزهراء، جمعیت دانشجویان آزاد خوراسگان جمع‌ها و گروه‌های معترض دانشجویی: دانشگاه اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده فنی دخترانه سنندج، دانشگاه کردستان، دانشگاه یزدان‌پناه ۲۷ مرداد ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

مزمه تعطیلی دانشگاه‌ها در روزهای ابتدایی سال تحصیلی پیش رو در شرایطی شنیده می‌شود که طی ماه‌های اخیر مسئولین حکومتی به شدت در حال تجهیز نیروهای سرکوب خود در دانشگاه‌ها بوده‌اند.

در نامه‌های افشا شده توسط نیروهای سیاسی مخالف حکومت از جمله ما جمع‌ها و نهادهای مستقل دانشجویی فعال در جریان انقلاب جاری، مشخص شد که مسئولین دانشگاه‌ها علاوه بر خریدهای چندین میلیارد تومانی تجهیزات سرکوب، بسیاری از دانشجویان را احضار کرده و با فشار آوردن بر فعالین جنبش دانشجویی و دانشجویان معترض، در واقع وحشت خود از دانشجویان معترض، انقلابی، مترقی و پیشرو را اعلام داشته‌اند.

وحشتی که هرچند مثل همیشه خود را به شکل سرکوب نشان داده است؛ اما، ما دانشجویان اعلام می‌کنیم که حکومت اسلامی نخواهد توانست دانشجویان و فضای اعتراضی موجود را مهار، کنترل و متوقف کند؛ چرا که همیشه دانشگاه برابر دیکتاتورها و مستبدان قد علم کرده و بر حکومت‌های دیکتاتوری پیروز شده است. ما دانشجویان آزادی‌خواه، مدرنیست، سکولار و خواهان لغو انواع تبعیضات، با تشکلیابی گسترده و مبارزه پیگیرانه علیه حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی،

۲۴ مرداد: تجمعات بازنشستگان کشوری در ۱۴ شهر و یک خبر دیگر

اگر که ما نبودیم، تو اون بالا نبود



خیانت میکند، مجلس حمایت میکند. در خرم آباد بیش از ۱۵۰ نفر از معلمان بازنشسته از تمام نهادهای مرکز استان و نورآباد شرکت داشتند. در این تجمع قطعنامه ای مشتمل بر چندین بند توسط یکی از بازنشستگان قرائت شد و اهم خواسته های بازنشستگان به تایید حاضرین رسید تا در اختیار مقامات مربوطه قرار گیرد.

در این روز همچنین کارگران پیمانکاری ابنیه فنی رضوان درود در استان کرمان در اعتراض به دستمزدهای نازل و اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل اعتصاب کرده و در محل کار خود دست به تجمع زدند. به گفته کارگران در این محدوده ریلی حدود ۴۰۰ کارگر مشغول به کار هستند و پیمانکار وعده داده بود تا روز دوشنبه طرح طبقه بندی مشاغل را اجرا خواهد کرد اما به وعده خود عمل نکرد.

اعتراضات گسترده بازنشستگان و شعارهای اعتراضی کوبنده آنها بازتابی از فضای انقلاب جامعه در آستانه سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی است.

علاوه بر تجمعات اعتراضی کارگری، اعتراضات در میان بخش های مختلف جامعه گسترده است. روز گذشته خانواده های کشته شدگان هواپیمای اوکراینی در اعتراض به تخریب سنگ مزار جانباختگان، در بهشت زهرا تهران تجمع کردند. جمهوری اسلامی مزارهای جانباختگان را مورد یورش قرار میدهد تا از تجمعات اعتراضی مردمی علیه کشتار رژیم جلوگیری کند. اما مراسم های گرامی داشت جانباختگان و یادمان ها یک عرصه مهم جنبش دادخواهی علیه حکومت و جنایت و سرکوب است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ مرداد ۱۴۰۲، ۱۵ اوت ۲۰۲۳

روز ۲۴ مرداد بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته همچون سه شبیه های گذشته در مقابل ساختمان صندوقهای بازنشستگی در شهرهای مختلف تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. اعتراض آنان همچون دیگر بخش های بازنشستگان به فقر و گرانی، اختلاسها و دزدی ها، به تبعیض ها و نابرابریها و همچنین به دستگیریها و

بازداشتهاست و یک تاکید فوری آنان آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی است. گزارشات تا کنونی از تجمعات در شهرهای سنندج، کرمانشاه، قزوین، خرم آباد، ایلام، پلدختر، تبریز، بیرجند، اصفهان، اردبیل، ساری، شهر کرد، همدان، تهران، خبر می دهند.

در کرمانشاه تجمع کنندگان شعار میدادند: "اگر ماها نبودیم تو آن بالا نبود"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست"، "ای بر کرسی نشسته، دروغ و وعده بسه"، و "نگ ما، ننگ ما صدا و سیمای ما". یک شعار تازه و متفاوت بازنشستگان که آشکارا پاسخی به چراغ سبز آمریکا به حکومت اسلامی است، این بود "دشمن ما آمریکاست، دست تو دست آخوند است".

در سنندج جمعی قابل توجه از بازنشستگان کشوری و معلمان بازنشسته تجمع داشتند و با شعار "گرانی تورم بالای جان مردم" بازتابی از اعتراض همه مردم علیه گرانی ها و اختلاسها بودند. آنها همچنین شعار میدادند "نه وعده، نه سازش، اجرای همسان سازی". در قزوین یکی از بازنشستگان طی سخنرانی ای بر مطالبات معیشتی، درمانی و رفاهی بازنشستگان تاکید کرد و تجمع کنندگان شعار میدادند: "اجرای همسان سازی حق مسلم ماست".

در اردبیل تجمع کنندگان شعار میدادند: "آمورش رایگان حق مسلم ماست"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "رئیس دروغگو حاصل وعده هات کو"، و "دولت

سازمان پزشکی قانونی ایران: مرگ ۱۹۰۰ کارگر در محیط های کار

به خطر افتاده است. این چنین است که فورا سر و کله نیروی انتظامی پیدا میشود و بعد هم از یکطرف با پرده پوشی و کتمان جنایت و از طرفی با احکام زندان و تهدید به اخراج سعی در آرام نگاهداشتن اوضاع را دارند و این روال برده وار کاری تداوم می یابد.

در مقابل این جنایت هر روزه در محیط های کار باید کاری کرد. اولین قدم اینست که در هر محیط کار کارگران خود نظارت بر ایمنی کار را داشته باشند و مواردی که نقض سلامتی جانی، روحی و جسمی کارگر میشود را گزارش کرده و با اولتیماتوم دادن ها و اعلام اینکه اگر محیط کارشان امن نشود سر کار حاضر نخواهند شد، جلوی تداوم این جنایت را بگیرند. بعلاوه اینکه هر کجا که کارگری قربانی نا امنی محیط کار میشود فورا باید با اعتراض گسترده کارگران روبرو شود. برای کارگران روشن است که همه این اتفاقات بخاطر اینست که صاحبان کار حاضر به هزینه کردن کمترین پول برای ایمن کردن محیط های کار نیستند. از جمله بسیاری مواقع علیرغم اطلاع قبلی از احتمال وقوع حادثه ای بخاطر اینکه کاری صورت نگرفته کارگران قربانی شده اند. بنابراین مرگ در اثر نا امنی محیط کار یک قتل عمد آشکار است. و باید عاملین این جنایات مورد محاکمه قرار گیرند. مازیار کارگر

سازمان پزشکی قانونی ایران از مرگ ۱۹۰۰ کارگر بر اثر حوادث کاری در سال ۱۴۰۱ گزارش داده است. یعنی هر روز ۵ کارگر قربانی سودجویی های سرمایه داران مفتخور شده اند. در این میان معلوم نیست بر سر خانواده های این کارگران چه آمده است.

این در حالیست که این آمارها به هیچوجه ابعاد واقعی فاجعه ای که هر روزه در محیط های کار شاهدش هستیم را بیان نمیکند و در بهترین حالت تنها موارد گزارش شده را می پوشانند. آمار مهندسی شده که بنا بر مصلحت سیاسی روز تغییر میکنند. از جمله وزارت کار برای سال ۱۴۰۱ تنها ۷۱۱ مورد مرگ ناشی از کار را تایید کرده است. اختلاف بیش از ۱۱۰۰ نفری آمارهای این دو نهاد حکومتی نشان می دهد که بخش زیادی از حوادث کاری مرگبار در کارگاه های خارج از شمول قانون کار، رخ می دهد که کارگران آن نه قرارداد کاری دارند و نه بیمه هستند.

بدین ترتیب این گزارشات تکانهنده گوشه ای از ابعاد جنایتی بزرگ در محیط های کار در سیستم حاکم را به نمایش میگذارد. سیستمی که کل قوانین و دم و دستگاه حکومتی را در خدمت دارد. و وقتی کارگر به این وضع معترض میشود، اخلاف در نظم و امنیت کشور نام میگیرد. و معنای آن به روشنی اینست که با اعتراض کارگر امنیت سرمایه

جنبش دفاع از حقوق زن و انقلاب

سهیلا صبور

انقلابی که نزدیک به یک سال از آغاز آن میگذرد و تمام ستونهای حکومت ننگین اسلامی را به ریشه انداخته است، با مرگ مهسا امینی دختری که به دست مزدوران گشت ارشاد به قتل رسید، شروع شد و به سرعت به انفجاری در اعتراضات جاری جامعه ایران بدل گشت. انقلابی که مساله زن و زندگی و آزادی را در یک نقطه عطف تاریخی به هم گره زد و با اسم رمز مهسا همه ی مردمی که چندین دهه از فقر و بی تأمین و تبعیض به تنگ آمده بودند را باهم متحد کرد و به میدان آورد.

به این معنا که در برابر حکومتی که با چماق سرکوب زنان و با پرچم حجاب تثبیت شد و خون میلیونها انسان را در شیشه کرد، انقلابی شکل گرفت که زنان در صف مقدم آن حماسه ها آفریدند و همصدا با کل جامعه فریاد آزادی و رهایی سر دادند. به عبارت روشنتر زنان با جنبش قدرتمند خود طی چندین دهه از مبارزاتشان، به عنوان اولین بستر اعتراضی علیه بساط آپارتاید جنسی حاکم، به وزنه مهمی در تحولات سیاسی جامعه تبدیل شده و پیوند عمیقی با دیگر جنبش های اجتماعی از جمله جنبش کارگری پیدا کرده است. مرگ مهسا امینی نقطه عطفی در این جنبش بود و با قتل او انقلاب فوران کرد و سیل خروشان مردمی را به خیابان کشاند. مردمی که مصمم و استوار مقابل حکومت ایستادند و زن زندگی آزادی را فریاد زدند.

این انقلابیست که هر روز تعین و تعمیق بیشتری پیدا کرده و ابعاد سازمانیافته تری بخود گرفته است. منشور خواسته های حداقلی تشکلهای مختلف مبارزاتی کارگری و زنان و دیگر نهادهای اجتماعی نمادی از این تعین یافتگی و تعمیق انقلاب است. منشوری که بطور واقعی پلاتفرم اتحاد مبارزاتی انقلاب است. و در کنار آن منشور خواسته های پیشرو زنان است که بیان کنکرت تری به خواسته های این انقلاب در عرصه جنبش رهایی زن داد. جنبش رهایی زن همچنین با گذشت قریب به یکسال از مبارزات مردم و علیرغم تمام طرح ها و نقشه های سرکوب و کشتار، به عنوان بستر ساز و پیش برنده این انقلاب نقش



ایفا کرده است و با بیحجابی سراسری هر روزه از سنگر فتح شده مبارزات خود پاسداری کرده و شعله انقلاب را روشن نگاه داشته است.

از سوی دیگر جامعه ایران همچنان که دادخواه جان عزیزانی هستند که به جرم فریاد اعتراض، بیرحمانه توسط جنایتکاران سلاخی شدند، دست از مبارزه و اعتراض برنداشته است و در صفوف کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان و هنرمندان و دیگر جنبشهای اعتراضی خیابانها را محل احقاق حق خود میدانند و زمین را زیر پای جنایتکاران داغ نگه داشته اند.

این چنین است که حکومت از ترس موج دوم انقلاب خواب بر چشمانش حرام شده است، و زیر فشار این انقلاب صفوفش در هم ریخته و با عزل و نصب ها و طرح و برنامه های سرکوب تلاش میکند راه نجاتی از خشم مردم پیدا کند. و دور نیست که طومار یکی از ننگین ترین حکومتهای جنایتکار تاریخ به دست مردمی که یک زندگی شاد و مرفه و آزاد را حق خود میدانند در هم پیچیده شود و در انقلابی زنانه که به نام مهسا رقم خورده و بر پرچم آن شعار زن زندگی آزادی نقش بسته است دودمان تبعیض و نابرابری را برای همیشه نابود سازد.

سرکوب و بازداشت فعالین مانع گسترش #انقلاب_مهسا نخواهد شد!

در شرایطی که روزهای سالگرد قتل #مهسا امینی نماد انقلاب "زن زندگی آزادی" نزدیک می شویم که هر روز با طرح ها و برنامه های سرکوب و متوقف کردن سیل اعتراضات مردمی مواجه هستیم.

در روزهای گذشته شاهد هجوم گسترده ماموران امنیتی به منازل #فعالین زنان در گیلان و دیگر فعالین در شهرهای کردستان بوده ایم و این در کنار بازداشت و تهدید خانواده های دادخواه، صدور احکام زندان و تعلیق دانشجویان و اساتید در دانشگاهها و بگیر و ببندهای خیابانی برای مقابله با بی حجابی های سراسری نشان از هراس حاکمیت از فضای #سالگرد_مهسا و دیگر جانباختگان در ماه شهریور می باشد.

در حالیکه سیاست چندین دهه سرکوب و کشتار توانسته از پیشروی جنبش اعتراضی مردم ایران جلوگیری کند.

جنبشی که هر روز بیش از پیش یک زندگی شاد و مرفه را حق خود می داند و حاضر به تمکین از سیاستهای ضد انسانی حاکم نیست.

زنان، کارگران، بازنشستگان و همه طیف های جامعه با هم یک صدا شده و زن زندگی آزادی را فریاد می زنند.

ندای زنان ایران ضمن محکوم کردن بازداشتها و سرکوب فعالین زنان در گیلان و دیگر فعالین در شهرهای مختلف اعلام می دارد: این جنبش سر باز ایستادن ندارد و ترفند سرکوب، زندان و کشتار نمی تواند انقلاب زن زندگی آزادی را از پیشروی باز دارد.



دستگیر شدگان انقلاب و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

۲۹ مرداد: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و سه خبر دیگر

براساس مهارت، سابقه و نوع شغل افزایش یابد اما بیش از یکسال است که در انتظار عمل به قانون هستیم." شرایط برده وار کاری و فشار آن بر روی کارگران به حدی است که طی ۱ سال اخیر سه نفر از کارگران این مجتمع به اسامی حیدر محسنی، محمد منصوری، علی محمد کریمی و آرش تبرک، از کارگران شاغل در مجتمع پتروشیمی چوار بخاطر نداشتن امنیت شغلی و از خشم فراوان دست به خودکشی زده و جان باختند.

در این روز همچنین جمعی از معلولان در اعتراض به اقدامات شهرداری تهران در

جهت خصوصی سازی سامانه های حمل و نقل معلولان و تشدید فشار معیشتی شان در مقابل شورای شهر تجمع کردند. این سومین تجمع اعتراضی معلولان در یک ماه اخیر است و با وجود این که بدنبال دو تجمع اخیر آنان طبق مصوبه ی شورا هرگونه تغییر در سامانه باید منوط به اجازت شورا شود. اما شهرداری به این مصوبه اعتنایی نکرده و ناوگان حمل و نقل

را به مکان دیگری انتقال داده است. این انتقال مقدمه ی واگذاری آن از شرکت واحد اتوبوسرانی به بخش خصوصی سازمان تاکسیرانی و افزایش هزینه های معیشتی آنها و تحمیل محرومیت بیشتر به معلولین است. این درحالیست که مقامات مسئول با ضد و نقیض گویی خود کارگران را پاسکاری کرده و از پاسخ گفتن به خواست کارگران سرباز میزنند.

آخرین خبر اینکه کارگران مجتمع نقلین سینیت کلیبر در این روز در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به اعتراض زدند. زیر فشاری این حرکت اعتراضی مسئولین دولتی شهرستان با هشت نفر از نمایندگان کارگران و مدیران شرکت نقلین سینیت در محل فرماندهی انتظامی کلیبر وارد مذاکره شدند.

کارگر کمونیست ۷۹۳

۲۹ مرداد ۱۴۰۲

امروز یکشنبه ۲۹ مرداد بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به وضع بد معیشتی و برای پیگیری خواسته های شان مقابل تامین اجتماعی در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات در شهرهایی چون شوش، اهواز، کرمانشاه، شوشتر، بابل، رشت و قزوین برگزار شدند. در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "خواسته ما این زمان، معیشت است و درمان"، "حقوق نصفه نیمه، ساکت بشیم همینه"، "تا کی سرافکندگی، یا مرگ یا زندگی"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند بفکر ملت"، "تنها کف خیابون، بدست میاد حقمون"، "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته!"، "شورای عالی کار، نمیخوایم، نمیخوایم! آگ"، "تورم اسفبار، حاکم شده تو بازار"، "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته. در شوش و کرمانشاه بازنشستگان راهپیمایی کردند. در شهر شوش فریدون نیکوفرد از جمله سخنرانان تجمع بود.

در این روز همچنین ۴۰۰ نفر از

بازنشستگان فولاد در اصفهان نیز در اعتراض به گرانی و تورم و برای پیگیری خواسته های شان مقابل دفتر بازنشستگان فولاد در خیابان نشاط این شهرستان تجمع کردند. درمان رایگان، همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آنها و پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ از جمله خواسته های فوری آنهاست. تجمع فولاد اصفهان در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شعار میدادند: "کشور پر درآمد، چه بر سر تو آمد!؟"

یک تجمع دیگر در این روز از سوی کارگران مجتمع پتروشیمی چوار از توابع استان گیلان در اعتراض به سطح نازل حقوقها و عدم اجرای طبقه بندی مشاغل برگزار شد.

به گفته کارگران مدیر عامل پتروشیمی دو ماه پیش قول داده بود که ظرف یکماه طبقه بندی مشاغل و افزایش حقوق اجرایی شود اما مسئولان مربوطه خلف وعده کردند.

کارگران میگویند "با حقوق ساده حدافلی، نمی توانیم زندگی خود را بچرخانیم؛ براساس قانون باید طرح طبقه بندی برای کارگران مشمول، پیاده سازی و اجرا شود تا دریافتی نیروها

تایید حکم ۵ سال زندان جعفر ابراهیمی

معلم زندانی آزاد باید گردد



قید و شرط این معلم زندانی تاکید کرده است.

معلمان با کارزار یکصد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی و توقف فشارهای امنیتی بر معلمان معترض بر آزادی فوری همه همکاران در بند خود تاکید دارند. تا کنون هزاران معلم و نیز

تشکلهای مختلف معلمان از شهرهای مختلف به این کارزار پیوسته اند. اعتراض معلمان علیه فقر و تبعیض و نابرابری و اختلاسها و دزدیها و با خواست سراسری تحصیل رایگان برای همه کودکان صدای اعتراض همه جامعه است و از کارزار یکصد هزار امضا باید میلیونی حمایت کرد. جعفر ابراهیمی، معلم زندانی و کارگران دربند و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند با اعتراضات سراسری خود در زندانها را باز کنیم.

کارگر کمونیست

۲۹ مرداد ۱۴۰۲

بنا بر خبر منتشر شده در کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان حکم ۵ سال حبس جعفر ابراهیمی بازرس این تشکل توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر تایید شد. این خبر به نقل از عرفان کرم ویسی وکیل این معلم زندانی منتشر شده است. جعفر ابراهیمی همراه با تعداد زیادی از معلمان در آستانه تجمع اعتراضی یکم اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت شده بود و کماکان در زندان اوین به سر می برد توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر با اتهام "اجتماع و تبانی" به ۵ سال زندان محکوم شد که از این بابت طبق بخشنامه "کاهش مجازات" دو سال آن قابلیت اجرایی دارد.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان ضمن انتشار این خبر با تاکید بر بحق بودن مبارزات معلمان صدور این احکام را محکوم کرده و بر آزادی فوری و بی

